



رنگ و رنگری در فرش کاشان

امیرحسین چیت‌سازیان*

چکیده:

حضور رنگ در زندگی بشر، بیش از هر چیز برآمده از نوع نیاز روحی اوست. رنگ‌ها در زندگی معنوی و عاطفی انسان‌ها تأثیراتی انکارناپذیر دارند. همچنین رنگ‌ها عاملی برای اندیشیدن مخاطب خود به منظور علت‌یابی آن‌هاست. هر رنگ ممکن است تأثیر فرح‌بخش یا غمناکی بر روان بیننده خود بگذارد.

رنگ در فرش هم دارای اهمیت خاصی است؛ اولین چیزی است که توجه بیننده را به خود جلب می‌کند، تلفیق و هماهنگی یا تضاد بین رنگ‌هاست که این پدیده هنری را زیبایی می‌بخشد و آن را در بین سایر دست‌باافته‌های انسان ممتاز می‌کند. چه بسا یک طرح قالی با رنگ‌های متفاوت، آثار مختلف روحی و روانی بر افراد بگذارد.

رنگ‌های گوناگونی که در فرش‌ها مشاهده می‌کنیم، حاصل مراحل فنی و هنری متعدد و نتیجه دسترنج هنرمندان رنگرزان فرش این مرز و بوم است که با تحمل زحمات فراوان، آن را به عمل می‌آورند. نگارنده این مقاله با استفاده از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای و شیوه

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱

* استادیار دانشگاه کاشان / chitsazian@kashanu.ac.ir



توصیفی، رنگرزی فرش در یکی از زادگاه‌های آن یعنی کاشان، را مورد بررسی قرار داده و ضمن معرفی آن، انواع رنگ‌ها و نیز روش‌های آن را در معرض آشنایی گذاشته است.

کلیدواژه‌ها:

رنگ، رنگزا، رنگرزی فرش، قالی کاشان، هنرمندان رنگرز.

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین شاخص‌های هنر اصیل ملی که همچنان کارکردهای گوناگونی را حفظ کرده و پرجاذبه باقی مانده است، هنر قالی‌بافی می‌باشد که آینه تمام‌نمایی از فرهنگ و تمدن اسلامی، و میراث گرانبغی از ایران باستانی است؛ هنری که علامت کانون خانوادگی هر ایرانی و تجلی شاعرانه ما در سرتاسر جهان است.

اهمیت فرش علاوه بر عرصه‌های فرهنگی و هنری، در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز بر هیچ کس پوشیده نیست، به‌ویژه که به عنوان نخستین کالای صادراتی صنایع و غیر نفتی کشور و نیز پر اشتغال‌ترین هنر بومی، و پر تقاضاترین کالای هنری کشور، جایگاه ویژه‌ای در زندگی اقتصادی مردم و در نتیجه برنامه‌ریزی‌های دستگاه‌ها و مسئولان ذیربط دارد. در واقع هم به نیازهای زیستی بشر پاسخ می‌گوید و هم بعد عاطفی و روان‌شناختی و لطافت‌جویی و زیباشناختی او را جوابگوست. فرش در اقتصاد نقش دارد، لذا در مباحث اجتماعی و تعاملات سیاسی نیز جایگاه می‌یابد. همچنین جامعه ویژه‌ای را به عنوان یک خرده‌نظام تشکیل، و پایگاه اجتماعی مشخصی را در عرصه ملی به خود اختصاص داده است. از همه مهم‌تر اینکه از گذشته‌های دور تاکنون، معرف فرهنگ و مدنیت ایرانیان در سطح جهانی بوده و به عنوان نماد فرهنگی، هنری و صنعتی ایران، در بین ملت‌ها شهرت داشته است.

از جمله زادگاه‌های اصلی این هنر ارزشمند در ایران، کاشان است که حداقل سه هزار سال سابقه فرش‌بافی دارد.

۱. نگاهی به تاریخ فرش کاشان

تصاویر و نقوش ظروف و سفال‌های مکشوف از سیلک، آثار متعددی از دستبافت‌ها،

لباس‌ها، زیرانداز یا فرشینه‌های سیلک را به ما نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این آثار، شکل ۱۳۰ از کتاب نقوش زبیتی در ایران زمین از کهن‌ترین زمان تا دوران مادها نوشته جلیل ضیاءپور است که تصویر ریتون، سفالین گاومیش گونه‌ای را که در سیلک کشف شده، در معرض نگاه ما می‌گذارد. این تصویر به طور مشخص، جُل قالیچه‌مانندی را بر روی حیوان نشان می‌دهد. این ریتون از ریتون‌های سفالی جل‌گونه‌های شوش و ماکو (قرن ۷ ق. م) کهن‌تر است. نقوش شطرنجی زیبا و حاشیه ساده هندسی، از ویژگی‌های این ریتون سه هزار ساله است که اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. (ر.ک: تصویر ۱)

شکل‌های ۶۵، ۸۲، ۹۰ و... در این کتاب نیز نقوش هندسی و شطرنجی فرشینه‌ها را نمایش می‌دهد. (ر.ک: تصویرهای ۲ تا ۶)

بنا بر نوشته کتاب بررسی صنعت فرش دستباف، «صنعت قالی‌بافی در ایران در شهرهای آذربایجان و طبرستان و کاشان شروع گردید». (ص ۳) اما اولین منطقه در ایران که پس از طلوع اسلام، در خصوص آن از قالی سخن آمده، کاشان است: «حسب روایات در سنه ۱۰۶ هجری قمری در ۲۷ جمادی الثانی، فرزند امام پنجم شیعیان، حضرت علی بن امام محمد باقر(ع)، در ارده‌ها کاشان... به شهادت می‌رسند. پس از شهادت وی، جنازه مطهر او در میان قالیچه‌ای قرار داده شده که احتمالاً قطعاتی از این قالیچه باقی مانده است. (قالی‌شویان مشهد ارده‌ها)، ص ۱۳)

مارکوپولوی ایتالیایی که در دوره ایلخانان مغول از ایران دیدن کرده، در سفرنامه‌اش ضمن اشاره به مخمل و زری کاشان، از قالی‌های خوش‌نقش آن شهر نیز به خوبی یاد کرده است. (مروری بر صنایع دستی ایران، ص ۳۱۴) اما تولید انبوه فرش و یا تولید فرش‌های زربفت و گران‌قیمت ابریشمی و با کیفیت هنری عالی، ظاهراً از دوره صفویه شروع می‌شود؛ دوره‌ای که در آن، حامی هنر بودند و به دلیل زمینه‌های فرهنگی و مذهبی، شهر کاشان را مورد توجه ویژه قرار می‌دادند. در واقع در این دوره، همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای گسترش و رشد هنر فرش در منطقه کاشان و جوشقان، یکجا فراهم می‌شود. پیشینه هنری کاشان در زمینه منسوجات مختلف به‌ویژه

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱

مخمل و زری- که در کنار خود، هنر طراحی و رنگ آمیزی را نیز داشته‌اند- عامل اصلی رشد و بالندگی هنر فرش کاشان در این دوران است. بسیاری از قالی‌های باقیمانده از دوره صفویه که زینت‌بخش موزه‌های معتبر جهان‌اند، اثر هنرمندان فرش کاشان است. اریک اشنبرنر می‌گوید: «هنگامی که از قالی‌های نفیس و مرغوب شرق صحبت می‌شود، نام اصفهان و کاشان در صدر هستند. کاشان شهری است که در طول قرن‌ها، قالی‌های بسیار زیبا و گرانبها تولید و صادر می‌کرده است. قالی طرح شکاری وین در موزه هنرهای دستی اتریش، قالی اردبیل در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و قالی ابریشمی معروف در موزه هنر متروپولیتن نیویورک، از بهترین بقایای عصری است که با بافت قالی‌های پولونز به سفارش دربارهای اروپای شرقی به پایان رسید.» (قالی‌ها و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران، ص ۷۰) در دوره قاجار، شهرت و آوازه قالی و قالیچه‌های ابریشمی کاشان، دیگر بار همچون دوره صفویه عالمگیر شد تا جایی که در سال ۱۸۸۱ ناصرالدین شاه به مناسبت تاجگذاری ملکه ویکتوریا، یک قالی ابریشمی کاشان را هدیه فرستاد که اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. (آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، ص ۳۶۲)

پس از آن نیز، قالی‌های زربفت و برجسته‌ای بافته شد که خاطره قالی‌های زربفت دوره صفویه را زنده می‌کرد. در واقع صادرات قالی کاشان نیز در این زمان شروع گردید. در پایان جنگ جهانی اول، کمپانی‌های فرش‌فروشی آمریکایی که پیش از جنگ، قالی ایران را در بازارهای اسلامبول و لندن تهیه می‌کردند، برای خرید آن متوجه ایران شدند؛ از این رو، در مراکز مهم قالی‌بافی، نمایندگی‌های مخصوصی دایر کردند تا همه مراحل قالی‌بافی زیر نظر آن‌ها انجام شود. این نمایندگی‌ها در کاشان که بالغ بر پانزده مؤسسه مستقل بودند، تا حدی موجب ترقی قالی‌بافی شدند، به گونه‌ای که اشتغال آن از حدود شهر تجاوز کرد و برای نخستین بار تا دهستان‌ها و مزارع دوردست نیز معمول گردید، اما به این دلیل که تنها به دنبال سود آنی خود بودند، صنعت قالی را با شکست روبه‌رو ساختند. آنان در اصول قالی‌بافی مداخله و اعمال نظرهایی کردند که اعتبار این صنعت تاریخی را متزلزل ساخت و حتی در سه رکن آن که رنگ و نقشه و بافت بود، تغییراتی

دادند که اصالت صنعتی و جنبه هنری و صبغه ایرانی بودن آن را از بین می‌برد، زیرا به جای رنگ‌های نباتی طبیعی ایرانی، رنگ‌های آلزیرین را به کار بردند. آن‌ها در نقشه قالی نیز به دو گونه تصرف کردند: یکی آنکه بوم قالی، ساده و کم‌نقش و همگی یک‌رنگ (به‌ویژه دوغی) بود و دیگر اینکه تعداد رنگ که در قالی‌های قدیم تا سی رنگ سیر و روشن هم می‌رسید، آن‌ها را به ۸ تا ۱۰ رنگ تیره و تند تقلیل دادند. تغییر در بافت نیز بدین صورت بود که قالی‌ها کلفت و ضخیم و با خواب بلند بافته می‌شد و به همین سبب، از مزایای هنری و از زیبایی فرش‌های قدیم هیچ بهره‌ای نداشت. این قالی‌ها به قالی دوغی و آمریکایی معروف شد.

«ساروق- کاشان‌های آمریکایی [فرش‌های طرح ساروق که به سفارش آمریکایی‌ها در کاشان بافته می‌شد] می‌بایست خود را به سه الزام هماهنگ می‌کردند:

۱. پرز بلند حداقل ۱۶ تا ۱۷ میلی‌متر و گاهی تا ۲۰ میلی‌متر. آمریکایی‌ها پرز بلند یعنی قالی کلفت را دوست داشتند. این پرز بلند در نوع ساروق وجود داشت. به نظر می‌رسد این یکی از دلایلی است که تولیدکنندگان جذب آن منطقه می‌شدند.

۲. رنگ متن ۹۰٪ سرخ بود و سرخ مسی که بر متن غالب بود، بهترین فروش را داشت. بعداً این رنگ به آبی- بنفش عوض شد. [با تغییر ذائقه در اواخر دهه بیست، آمریکایی‌ها ناگهان از سرخ به سوی یک رنگ آبی ملایم رو کردند.]

۳. نقشه متقارن بدون ترنج (افشان. م) بدون قسمت‌های بزرگ خالی، مثل کف ساده». (ورت، ۱۳۷۴، ص ۱۰۳)

نکته درخور و جالب توجه اینکه، قالی‌های کاشان پس از جنگ جهانی دوم و در سال‌های آخر دهه ۱۹۴۰ (دهه ۱۳۲۰ ش) همان کیفیت و مرغوبیت سال‌های اوج خود، یعنی دو دهه اول قرن بیستم را به دست آورد و از شهرت جهانی برخوردار گشت، چنان‌که سیسیل ادواردز، کارشناس برجسته فرش در سال ۱۹۴۹ می‌نویسد: «همیشه چنین می‌پنداریم که قالی‌هایی که چهل یا پنجاه سال قبل تهیه شده، بر بافته‌های کنونی رجحان دارد، در حالی که این نکته در مورد قالی‌های کاشان ابداً صدق نمی‌کند.» (قالی ایران، ص ۳۷۲) او در جایی دیگر به شهرت جهانی قالی‌های کاشان اذعان می‌کند. این رونق و

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



شهرت همچنان ادامه می‌یابد.

در دههٔ چهل، فرش کاشان در سطح داخلی و خارجی شهرت زیادی پیدا کرد و بسیاری از کسانی که سرمایه‌ای برای کار تولیدی و خدماتی داشتند، به این هنر صناعی در سطح منطقهٔ کاشان روی آوردند. همچنین در برخی نقاط دیگر ایران با خرید نقشه‌های معروف فرش کاشان و تقلید از سبک آن، اقدام به بافت فرش کردند. دربار پهلوی دوم نیز بخشی از فرش‌های مورد نیاز کاخ‌ها و بناهای خود و یا فرش‌های اهدایی خود به رؤسای ممالک دیگر را به کاشان سفارش می‌داد.

هنر فرش دستباف با داشتن مشتریان خارجی و کارکردهای وسیع و حمایت‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از تداوم حیات آن شد، با مساعی نهادهایی چون شرکت سهامی فرش ایران، سازمان صنایع دستی ایران، وزارت جهاد سازندگی و نیز دانشکده‌های هنر و مؤسسه‌های آموزش عالی و تحقیقاتی مربوط، تاکنون از خطر نابودی به دور مانده است. این توضیح در مورد فرش کاشان نیز صادق است؛ ضمن آنکه از حیث کمی نیز فرش کاشان در این ربع قرن اخیر، همچنان رشد خود را ادامه داده و آمارها حاکی از افزایش تعداد دار قالی در کاشان و مناطق اطراف آن تا اوایل دههٔ ۸۰ است.

۲. رنگرزی کاشان در گذر زمان

پیشینهٔ رنگ‌آمیزی در کاشان به بیش از هفت هزار سال، یعنی هزارهٔ پنجم قبل از میلاد می‌رسد. در واقع می‌توان گفت کاشان مهد رنگرزی ایران بوده و پیش از عمدهٔ تمدن‌های بشری، هنر رنگ‌آمیزی و رنگرزی در منطقهٔ سیلک رواج داشته است. پروفیسور گیرشمن، باستان‌شناس فرانسوی در پی تحقیقات خود در سیلک در این باره می‌نویسد: «مرده را به طرز درهم پیچیده‌ای در کف اتاق‌ها دفن می‌کردند... جسد فقید را به رنگ قرمز، ملون می‌کردند و این عمل در جاهای دیگر نیز دیده نشده است. رنگ قرمز که با آن، دیوارهای اطاق را می‌اندودند، وسیلهٔ تزئین داخلی به شمار می‌رفت. این رنگ، مخلوطی است از اکسید آهن با عصارهٔ میوه که در نجد ایران بسیار عمومیت داشت. این نمونهٔ خوبی است که سلیقهٔ بشر را برای تنوع آزمایش‌ها و استعداد وی را

برای اختراع نشان می‌دهد.» (ایران از آغاز تا اسلام، ص ۱۴ و ۱۷)

هنر رنگ‌آمیزی در سفالگری سیلک نیز رونق داشته است: «... کوزه‌گر می‌توانست آن را به میل خود به رنگ‌های خاکستری، رنگ گل سرخ، قرمز و سبز درآورد و در همان حال، تزئینات و طراحی ظروف پیشرفت می‌کرد.» (همان، ص ۲۱) بنابراین در تمدن سیلک، رنگرزی در زندگی و اعتقادات مردم اهمیت ویژه‌ای داشته و ضمن برآوردن نیازهای عاطفی و روانی و زیبایی‌شناسی آن‌ها در عرصه‌های مختلف، از کارکردهای دینی و مذهبی نیز برخوردار بوده است. وجود معادن قدیمی لاجورد و آهن و گل سرخ در اطراف کاشان نیز زمینه استفاده از رنگ لاجوردی و اخراپی (زرد مایل به قهوه‌ای روشن) و قرمز را به طور گسترده فراهم می‌کرده است. توان بهره‌گیری از اکسید فلزات و نیز عصاره میوه، نشانگر گستره هنر رنگرزی در تمدن سیلک است. با وجود محرز بودن بافت پارچه و فرش در تمدن سیلک و وجود هنر رنگرزی که در بخش‌های دیگر به آن اشاره شد، از رنگرزی الیاف در آن دوران آثاری باقی نمانده است؛ البته طرح‌های شطرنجی پارچه و زیرانداز، بیانگر آن است که دست کم سه رنگ- علاوه بر رنگ الیاف خود رنگ- در این بافته‌ها وجود دارد، اما مشخص نیست کدامیک از این رنگ‌ها، از الیاف طبیعی سیاه و سفید یا قهوه‌ای و خاکستری حیوانات اهلی و کدام یک از الیاف رنگرزی شده است.

وجود پارچه‌های ملون باقیمانده از دوران ساسانی، گویای آن است که در آن زمان نیز هنر رنگرزی الیاف در کاشان رواج داشته است. پس از طلوع اسلام، افزون بر نساجی و پارچه، سفالگری و کاشی‌سازی و تذهیب نیز عرصه حضور رنگرزی در کاشان بوده و آثاری از آن‌ها از دوره‌های آل بویه، سلجوقی، خوارزمشاهیان، ایلخانان و ترکمانان و دوره‌های پس از آن بر جای مانده است.

توماس هربرت در سفرنامه خود از کارترایت انگلیسی- که در دوره صفویه در سال ۱۶۰۰ میلادی از کاشان دیدار کرده، چنین نقل می‌کند: «هنر عالی آن‌ها رنگرزی پارچه‌های ابریشمی و کتان است و دیگر گل و بوته‌هایی که از چرم می‌سازند.» (تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۲۳) همچنین مجله فارسی‌زبان لندن به نام روزگار نو، در مقاله‌ای

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



درباره کاشان می‌نویسد: «این شهر از قدیم‌الایام، سوابق طولانی و شهرت تاریخی در کار رنگریزی داشته است و حتی کارشناسان اروپایی که به این منظور به ایران آمده‌اند، در کارگاه‌های کاشان فنون رنگریزی را آموخته و تکمیل کرده‌اند.» (همان، ص ۳۴۴) «نمونه‌هایی از پارچه‌های کاشان در دوره صفویه یافت می‌شود که هر تکه از آن شاهکاری از هنر رنگریزی و نساجی است.» (مروری بر صنایع دستی ایران، ص ۳۱۲)

البته در کاشان، رنگریزی مخمل و ابریشم در یکجا صورت می‌پذیرفته و در واقع رنگریزی قالی ابریشمی با مخمل در رقابت بوده است. پروفیسور پوپ این موضوع را توضیح می‌دهد: «... این قالی‌ها نه از حیث عظمت و جلال، بلکه از حیث درخشندگی و عمق رنگ با مخمل یکسان است. مبنای این رقابت واحد است، زیرا هر دو دسته هنرمندان، ابریشم به کار می‌بردند و هر دو نسج در یک دیگ رنگ و در یک کارگاه بافته می‌شدند.» (شاهکارهای هنر ایران، ص ۱۸۹)

رنگریزی قالی پس از دوره صفویه نیز در کاشان تداوم یافت. در دوره قاجاریه با اوج‌گیری قالیبافی در کاشان، جمعی از رنگرزان پارچه‌های ابریشم و مخمل به این کار روی آوردند، «یکی از اساتید رنگرز کاشان، حاج عباس ستاری مدعی است که پدرش (حاج صادق ستاری) در دوره قاجار، اولین کسی بوده که کارگاه رنگریزی پارچه شعربافی را به رنگریزی خامه فرش تبدیل کرد.»* (فناوری سنتی رنگریزی تار و پود در کاشان، ص ۴۴) بدین ترتیب، رنگریزی قالی به شیوه سنتی با استفاده از رنگ‌های طبیعی گیاهی و معدنی دوباره رواجی تام یافت. متأسفانه رنگ‌های مصنوعی که از حدود سال ۱۸۰۰ میلادی در غرب تولید شده بود، در سال ۱۸۸۳/۱۲۶۲ شمسی به ایران نیز راه یافت.

این روش در بازار عمومی فرش ایران بازتابی نامطلوب داشت، چنان‌که لردکرزن در این باره چنین می‌گوید: «از آثار صنایع دستی ایران، یگانه چیز قابل توجه، قالی است. این متاع نفیس را سابقاً با نقشه‌های زیبای شرقی و رنگ‌های طبیعی نباتی تهیه می‌کردند. اما چند سالی است که رنگ مصنوعی آیلین و نقشه‌های یکنواخت فرنگی، قالی ایران را زمین زده است؛ اگرچه از طرف دولت ایران برای جلوگیری از این مفاسد اقداماتی می‌شود.» (آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، ص ۳۸۹)

در پایان جنگ جهانی اول، کمپانی‌های آمریکایی با ورود به عرصه هنر فرش کاشان و ایجاد پانزده مؤسسه مستقل در کار فرشبافی، به دخالت در ارکان آن پرداختند. مؤلف مقاله «قالی کاشان در قرن کنونی» در مورد دخالت آمریکایی‌ها در فرش کاشان می‌نویسد: «... به این دلیل که فقط پیرو سود آنی و عاجل خود بودند، طرز کارشان به شکست و زیان صنعت قالی می‌انجامید، زیرا در اصول و ارکان آن، مداخله و اعمال نظریه‌هایی می‌کردند که هرچند سود و سهولت کار را هم دربرداشت، ولی بالمآل اعتبار این صنعت تاریخی را متزلزل می‌ساخت به علت آنکه از مجموع چهار عامل اصلی قالی- یعنی پشم، نقشه، رنگ، بافت- در سه رکن آن که رنگ و نقشه و بافت بود، تغییراتی دادند که اصالت صنعتی و جنبه هنری و صبغه ایرانی بودن او را از بین می‌برد، چه آنکه به جای رنگ‌های نباتی طبیعی ایرانی، رنگ‌های آلزیرین را به کار بردند. اگرچه این رنگ ثابت است، خصوصیات دیگر رنگ‌های نباتی را ندارد که پس از کهنه شدن آن، رنگ و آب شفاف و جلوه گرم و گیرای قالی‌های قدیمی را پیدا کند. به علاوه آنکه خوب به عمل آوردن رنگ‌های شیمیایی آلزیرین هم با کارگاه‌های ساده و اولیه و کارگران بی‌سواد کار آسانی نبود.» (همان، ۳۹۰) به هر حال، این شیوه بر هنر فرش کاشان تأثیر نهاد و رنگ‌رزی سنتی با رنگ‌های طبیعی را در مسیر افول قرار داد. ملک المورخین کاشانی در سال ۱۳۳۸ هـ ق (بیش از ۹۰ سال قبل) در کتاب خود مطالبی در مورد رنگ پشم و ابریشم دارد: «پشم و ابریشم را در کاشان به الوان مختلفه ثابتة نباتی و معدنی رنگ می‌نمایند. رنگ سبز و قرمز را به جوهری که از اروپا می‌آورند، رنگ می‌کنند.» (مختصر جغرافیای کاشان، ص ۲۱)

از سوی دیگر «اجناس صادره کاشان به سایر بلاد ایران و اروپا: قالی، قالیچه، زیلو، روفرشی وطنی، مخمل... ریسمان شهری... ابریشم رنگ‌کرده، ریسمان رنگ‌شده الوان، لاجورد، زاج...» (همان، ص ۱۸) را می‌نویسد. همچنین در خصوص دندانه‌ها و مواد تعاونی معدنی رنگ‌رزی در کنار سایر معادن اشارات جالبی دارد:

[کتیرا] بوته کتیرا در اغلب صحراهای کاشان می‌باشد و در مزرعه ارمک و کله و مرق و رهق و ازناوه بیشتر از سایر نقاط دارد.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



معادن کاشان: در دهات کاشان همه نوع معادن می‌باشد. معدن زاج و لاجورد و سنگ گچ و مرمر و سنگ آسیا و نمک سابقاً معروف بود. معدن ذیل را مؤلف کشف کرد: معدن طلق در آران، آب معدنی در زیر قمصر، ... خاک قرمز در کجگان [قزآن]، معدن طلق در کوه کجگان، خاک سرخ رنگ در مزرعه روییده نیاسر، ... معدن گوگرد در حوالی بند عباسی قهرود [سد شاه عباسی]، و ... (همان، ص ۲۶)

هر چند تا سال‌های دهه ۴۰ کم و بیش از رنگ‌های طبیعی در قالیبافی استفاده می‌شد، امروزه به جز موارد نادر و سفارشی برای فرش نفیس، کلیه رنگ‌های مورد استفاده از رنگ‌های مصنوعی و شیمیایی است.

۳. رنگ‌های مورد استفاده در منطقه کاشان

«رنگ‌آمیزی فرش‌های کاشان معمولاً در رنگ‌های بوم یا زمینه لاک‌ی، کرم، سرمه‌ای و تیرمه‌ای است. در حال حاضر، تقریباً تعداد هفده رنگ در رنگ‌آمیزی فرش‌های کاشان به کار می‌رود. قبلاً رنگ‌آمیزی فرش‌ها تقریباً با ۳۵ نوع رنگ بوده است.» (بررسی هزینه‌های تولید انواع فرش دستباف در منطقه کاشان، ص ۴) اغلب فرش‌های کاشان ۱۲ تا ۱۶ رنگ استفاده کرده‌اند.

در حال حاضر، بافت فرش‌های بوم کرم طرفدار بیشتری دارد. رنگ‌های مورد استفاده در سال ۱۳۴۴ عبارت از: سرمه‌ای، آبی سیر، آبی روشن، سبز، لیمویی، گلی قرمز دانه، گلی روناسی، طلایی، مله‌ای، قهوه‌ای، صورتی کم‌رنگ، صورتی پررنگ، ترمه‌ای، دارچینی، مشکی، ساق چناری، خاکی، الماسی، کرم، سنجدی یا مغز پسته‌ای و پیازی بوده است. (بررسی صنعت فرش منطقه قالی‌بافی کاشان، ص ۳۶)

در حال حاضر نیز بیشتر رنگ‌های فوق استفاده می‌شود. از جمله رنگ‌های مرسوم فعلی می‌توان سرمه‌ای، لاک‌ی، کرم، خاکی، آبی روشن، آبی پررنگ، دارچینی، قهوه‌ای، طلایی، زیتونی، ساقه چناری، چهره‌ای، سفید، زرد، سبز کم‌رنگ، فیلی، گلی روناسی، گلی قرمز دانه، مشکی، مسی، پوست پیازی را نام برد.

از سال‌های ۱۳۴۲ به بعد، قالی‌های بوم گلی و بوم سرمه‌ای و بوم کرم در کاشان

رواج داشته و حداقل تا اواخر دهه ۵۰، قالی‌های بوم‌لاکی حاشیه‌سرمه‌ای ۴۰٪ و بوم‌سرمه‌ای ۱۵٪ و بوم‌کرم ۱۵ تا ۲۰٪ از فرش‌کاشان را تشکیل می‌دهد و بقیه به سایر موارد اختصاص داشته است.

۱-۳. رنگزاهای طبیعی و دانه‌های مورد استفاده در کاشان

رنگزاهای طبیعی که از گذشته تا به حال در رنگرزی استفاده می‌شود، عبارت‌اند از: برگ مو، پوست انار، پوست گردو، روناس (که در کاشان به آن روغناس می‌گویند)، نیل، قرمز دانه، اسپرک، حنا، وسمه، پوست پیاز، سماق. دندانه‌های مورد استفاده شامل زاج سفید، قره‌قورت (قرا)، ماست و دوغ ترش، مازو، غوره، سنگ ترش، سنگ آهک، زاج سیاه و... می‌شود.

۴. کارگاه و تجهیزات رنگرزی در کاشان

در سال ۱۳۷۵ حدود هشتاد کارگاه رنگرزی سنتی در سطح شهرستان کاشان وجود داشت. (آمار واحد صنایع روستایی جهاد سازندگی کاشان) در شهر کاشان اغلب آن‌ها در بازارچه‌ها و کوچه‌های اطراف بازار مثل بازارچه صباغ‌ها (رنگرزه‌ها)، کوچه ضرابخانه، انتهای پانخل، درب زنجیر، پاقیان و کوچه رنگرزان قرار دارند. با کاهش میزان فرش‌بافی و نیز تأسیس چند کارخانه رنگرزی صنعتی از جمله در مجموعه کارخانه کرک کاشان به تدریج تعداد کارگاه‌های سنتی کاهش یافته است. کارگاه‌های رنگرزی سنتی معمولاً دارای دو قسمت مسقف و غیرمسقف بوده و برای استفاده از آب نیز در کنار نهرها و یا قنوات احداث می‌شده و یا دارای چاه‌های دستی بوده است. در قسمت مسقف کارگاه، در یک طرف در کنار دیوار و چسبیده به آن، تعدادی خمره یا پاتیل مسی یا چدنی کار گذاشته شده و در زیر هر یک نیز اجاق یا کوره مخصوصی برای به جوش آوردن آب آن‌ها تعبیه شده است. در طرف دیگر و در کنار دیوار، یک ردیف قدح یا تغار لعابدار قرار دارد که از آن برای آماده کردن رنگ و یا خیساندن و آب کشیدن و شستن الیاف استفاده می‌شود. معمولاً در زیر تغار یک چهارچوب برای نگه داشتن آن قرار می‌دهند.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱

تعدادی خمره نیز در کنار هست که روی آنها سبب می‌گذارند تا هوا در آنها جریان داشته باشد. تعدادی میله چوبی نیز روی خمره‌ها و بالاتر از آن در دیوار کار گذاشته شده تا کلاف‌هایی را که از خمره‌ها یا تغارها بیرون می‌آورند، روی آنها آویزان کنند. در این کارگاه، دلو و سطل و نیز کمچه و یک دستگاه ترازوی دقیق و قوطی‌های رنگ در جای مخصوص و خشک قرار دارد. در قسمت غیر مسقف کارگاه رنگریزی، چاه دستی و یا حوضچه آب هست که از آنجا آب به داخل قسمت مسقف برده می‌شود. همچنین راه یا چاه فاضلاب نیز قرار دارد. شمار زیادی تیر چوبی بلند نیز که دارای پایه‌های چوبی به نام دولو هستند، در تیررس آفتاب قرار دارند که از آنها برای آفتاب دادن کلاف‌های الیاف استفاده می‌شود. استاد رنگرز معمولاً کارهای اساسی و دقیق را برعهده دارد و در اول و آخر هر کار و به دفعات متعدد، بر کار نظارت می‌کند و شاگردان رنگرز زیر نظر او سایر کارها را انجام می‌دهند. وزن کردن رنگ‌ها یا دندانها و مواد کمکی و ترکیب آنها و همچنین زمان شروع هر بخش از مراحل اساسی برعهده خود استاد است.

۵. رنگرزی‌های معروف دوره قاجار تاکنون

حاج سید حسین رنگرز، از قدیمی‌ترین رنگرزی‌های دوره قاجار است. او فردی خیر بوده و آب‌انبار و بازارچه‌ای به نام حاج سید حسین نیز ساخته که نام وی بر کتیبه آب‌انبار بازارچه رنگرزی‌های کاشان باقی است (ظاهراً جد آقای سید اصغر الوانی رنگرز است).

اسامی دیگر: سید محمد الوانی، حاج غلامحسین صدوری، استاد عباس صدوری، حاج صادق صدوری، استاد جواد ستاری، استاد صادق ستاری، حاج مانده‌علی جهان‌آرایی، حاج حیدر جهان‌آرایی، حاج محمد تولایی، حاج عبدالوهاب وردی، حاج رضا حلی، حاج احمد ترسلی، حاج علی‌اکبر قدک‌کار، حاج علی‌اصغر امیدواری، استاد محمد صباحی، استاد حسین رایگان، حاج فتح‌الله فخره‌ای، حاج محمد زنده‌دل، استاد جلال رنگرز، پهلوان مهدی رنگرز، استاد نعمت‌الله افتخار، حاج غلامعلی صباحی، حاج حسین جمالی (حلی)، حاج سید صادق و میرزا حسن شریفیان، حاج سید احمد

رنگ و رنگریزی
در فرش کاشان



رضایی، حاج حسین صدوری، حاج صادق سیاهکار، محمدباقر و حاج حبیب‌الله اکرمی (از آران و بیدگل) و حاج محمد رضا زاده.

در چهار دهه اخیر، علاوه بر برخی از اسامی فوق می‌توان به آقایان عباس امیدواری، امیر (منوچهر) ستاری، حسن محتشمی، عباس فخرهای، حسین فخرهای، ماشاءالله و محمد و علی معصومی، محمد قدک‌کار، حسین بهشتی، حسینعلی رضا زاده، احمد جهان‌آرایی، محمد سیاهکاری، علی آقا سایه‌کویی، حسن صدوری، ماشاءالله افتخار، جواد صدوری، محمد جهان‌آرایی، محمد آقا گلکار، اصغر سیاهکاری، حسن سایه‌کویی، عباس ستاری، عباس حمصی، رضا تولایی، حسین قانع، محمد صهبایی، جعفر صدفی، ماشاءالله اناری، آقای بلال (که استخراج زاج را نیز در اطراف کاشان داشته) و احمد ستاری (مدرس دانشگاه و عضو هیئت مؤسس انجمن علمی فرش) اشاره کرد. (نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان، ص ۷۲)

سایر رنگرزاها تا سال ۱۳۶۲ عبارت‌اند از: آقایان عباس محتشمی، امرالله و حسن وردی، حسن حسینیه، حسن و اسماعیل فخرهای، حسن امیدواری، محمد کوجه‌باغی، احمد و محمد نکویی، احمد توکلی مقدم، علی و حسین و جواد صدوری، حسین و جواد صباغیان، ابوالفضل شریفی، عباس شیخ‌زاده، رحمت‌الله کریم‌زاده، علی‌اکبر محمدزاده، محمد بابایی، محمد بابازاده، علی و حسن میرزاپور، ولی‌الله عقدایی، یدالله نظری، محمد و حسین نباتی، حسن بنی‌احمدی، علی جهان‌آرایی، مسعود فقیهی ترقی، حسین مختار، علی گلکار، حسن سایه‌کویی، عباس حمصی، علی‌اکبر قدک‌کار، محمد فراتی، حسین توحیدی مقدم، جواد افتخار، صادق صدوری، ماشاءالله گیوکاشی، احمد توسلی، حسین کرباسی‌زاده، احمد و محمد کافیان. (فناوری سنتی رنگرزی تار و پود در کاشان، ص ۶۱-۶۳)

نیز به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین فروشنده رنگدانه‌های شیمیایی در کاشان، حاج آقا میرحجازی بوده است و در حال حاضر، دو نفر از خانواده وی، این شغل را ادامه می‌دهند. حاج حسینعلی جعفری (جنب کاروانسرا نو) و حاج مهدی کاظمینی نیز از اولین فروشندگان در این حرفه در بازار بوده‌اند.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



۶. مدرسان رنگ و رنگری فرش در دانشگاه کاشان

استاد احمد ستاری (رنگری سستی)، مهندس فیض‌الله مهدی، دکتر احمد اکبری، مهندس مهدی سوهانگیر، جواد جهان‌آزایی، مهندس نرگس زیبایی (رنگری) و استاد محمدحسین رحمتی (مبانی رنگ و رنگ‌شناسی) را تدریس کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

اولین چیزی که در فرش توجه بیننده را به خود جلب می‌کند، رنگ است. تلفیق و هماهنگی یا تضاد بین رنگ‌ها این پدیده هنری را زیبایی می‌بخشد و آن را در بین سایر دست‌بافت‌های انسان ممتاز می‌سازد. چه بسا یک طرح قالی با رنگ‌های متفاوت تأثیرات مختلف روحی و روانی بر افراد بگذارد.

سوابق طراحی و رنگ‌آمیزی در کاشان به دوران تمدن سیلک باز می‌گردد که در کنار نقش و طرح سفالینه‌ها به کاربرد آن در بافته‌ها و فرشینه‌ها نیز توجه می‌شده است. بهره‌گیری چندگانه از هنر رنگری در این منطقه هنرخیز، در دوره‌های مختلف استمرار داشته است، چنان‌که در زمان صفویان، هم در مخمل و هم در بافته‌های ابریشمی و هم در فرش، رنگ‌رها مشترک بوده و بعد از آن نیز همین‌طور بوده است. آن‌ها با امکانات محدود، حداکثر توان هنری خود را به گواه اسناد موجود به کار گرفته و شهره عالم بوده‌اند؛ حتی الیاف رنگ‌شده صادر می‌کرده‌اند. این رویه‌ها ادامه داشته اما با هجوم ماشین، روند سستی رو به نقصان گذاشته است. با این همه، کاشان هنوز نیز یکی از مراکز اصلی رنگری فرش در ایران بوده و بسیاری از فرش‌های تولیدی و صادراتی ایران در استان‌های قم، اصفهان، یزد، سمنان، مرکزی و غیره الیافشان در کارگاه‌ها و کارخانه‌های رنگری این شهر رنگری می‌شوند.



رنگ و رنگری
در فرش کاشان



نمونه‌هایی از تصاویر فرش کاشان در دوره‌های مختلف



فرش اوایل قرن بیستم کاشان



فرش معاصر کاشان

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



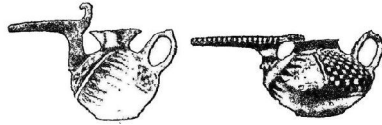


تصویر ۳. طرح فرشینه‌های نقش شطرنجی «سیلک» - هزاره اول ق. م



تصویر ۱

نقش فرشینه جل‌گونه سیلک بر روی ریتون سفالی هزاره اول ق. م (موزه ایران باستان)



تصویر ۴ و ۵. نقش دو فرشینه «سیلک» بر ظروف سفالی - هزاره اول ق. م



تصویر ۲. نقش جل اسب با طرح ساده بر سفال سیلک - هزاره اول ق. م



تصویر ۶. طرح فرشینه‌های سیلک با نقش‌های متفاوت - هزاره اول ق. م

* علاوه بر این، با بررسی میدانی نگارنده‌گل‌گفته‌هایی از رنگرزان و تجار فرش کاشان به شرح زیر آورده می‌شود:

- پشم را از کرمانشاه و مشهد می‌آوردند. پشم کرمانشاه دم زیر و خشن بود و برای رنگ گلی خوب بود. پيله کرم ابریشم را از شمال می‌آوردند و در خود کاشان با چرخ چاه پخت و پز می‌کردند، رنگرزا خودشان کلیاب‌کشی می‌کردند و با پشوه (چوبک) چربی می‌گرفتند. در ابوزیدآباد و بعضی جاها قالی‌باف‌ها به کدخدا باج می‌دادند، با دو چرخه به ابوزیدآباد می‌رفتم و قالی‌ها را می‌دیدم. کدخدا به زور باج می‌گرفت، شب جمعه کله لخت جلوی مردم رفتم. [صغر الوانی]

- زمان محمدرضا خان که شریف امامی نخست‌وزیر بود، در تلویزیون به نخست‌وزیر اعتراض شد که چرا باید قالی ماشینی در ایران بیاید پشم از طرف خمین می‌آمد و توسط دستگاه پشم می‌زدند. زن‌های دهات هم می‌ریسیدند. ابریشم هم از طرف رشت و تربت (مشهد) می‌آمد، رنگرزی قدیم از آب رونده استفاده می‌شد در شاهزاده ابراهیم. [علی سایه‌کویی]

- شاگرد کارگاه حاج صادق (صدوری) بودم. سفارشات شاه را رنگ می‌کردیم که بسیار عالی و با کیفیت کار می‌شد. یک خانم ایرانی، مقیم آلمان است که فوق تخصص قالی دستباف است. سفارش از دربار توسط امیر افسری به حاج صادق صدوری شد که آقا ماشاءالله کارگرش ۸ تا قالی برای

رنگ و رنگرزی
در فرش کاشان

خود درباره شاه بافت. نقشه را از موزه فرانسه آورده بودند. طرح آن از خیلی وقت پیش بود، نقشه پنجره پنجره و خانه خانه... بوم گل اخرايي (زرشکي)... نزدیک به ۴۰ سال پیش بود. زمان انقلاب، لاجوردی سرمایه‌دار و تاجر که با شاه ارتباط داشت و شایع بود دخترش را می‌خواهد به علیرضا پسر شاه بدهد، فرار کرد به آمریکا و از آنجا به هند رفت و طرح ایران را در آنجا پیاده کرد و به فرش ایران ضربه زد. [ماشاءالله معصومی]

- یک روسی منزل حاج صادق ستاری که در شرکت فرش کار می‌کرد، مهمان بوده است. شصت هفتاد سال پیش که بازار قالی کساد می‌شود، تاجرها قالی‌ها را نصفه می‌بریدند و به سراج‌ها می‌فروختند، برای الاغ‌ها رونکی درست می‌کردند. بعد که رونق گرفت، رنگرزی‌ها سه شیفته کار می‌کردند. سال‌های ۶۴ و ۶۵ رونق فرش خوب بود، وقتی اعلام شد هر ایرانی می‌تواند با خودش یک فرش بیرون ببرد، فرش کساد شد. پشم هم از گوسفند بومی و هم از خمین و گلپایگان می‌آوردند و دستریس بود. ابریشم از صومعه‌سرا، رشت و بابل می‌آمد ولی مثل الان رونق نداشت. [عباس گلکار]

- قالی ۴۵ خانه سال ۱۳۵۵، ۲۲ هزار تومان فروخته شد. پیکان هم ۳۶ هزار تومان بود. علت اصلی رکود قالی مقرون به صرفه نبودن قیمت تمام شده آن است. رنگینه‌های شیمیایی هم دلیل دیگر رکود است. اصالت جنس از بین رفته، پشم دباغی هم ۱۶-۱۵ سالی است رایج شده و ضربه زده است. [سید حسن حسینی]

- ابریشم از شمال می‌آمد. رضا ستاری در درب زنجیر، کلیاب‌کشی می‌کرد. نگاه رنگرها به دهنه چاه بود.

از زمان آقای کاشانی و مصدق، به مدت ۱۰ سال فرش کاشان خیلی خوب بود. در دوره مصدق، ارتباط با خارج زیاد شد. سید محمد لاجوردی و پسرش قاسم لاجوردی، کاندیدای دوره ۱۶ مجلس بود و پیش شاه امتیاز داشت و در روستاها مدرسه ساخت، زمان انقلاب از ایران رفت و بعد به هندوستان رفت و کارگاه و کارخانه فرش راه انداخت و ضربه زد.

خارجی‌ها می‌رفتند خانه بافندگان، عکس می‌گرفتند و از نوع بافتشان فیلم تهیه می‌کردند و یک چیزی به بافنده دادند و در حقیقت دزدی می‌کردند. [حاج عباس امیدواری]

- تا ده سال پیش، سر پشت‌بام بازار برای پهن کردن خامه و کمبود جا دعوا بود. ضرب‌المثل دختر شاه تو خونه رنگرز می‌تونه زندگی کنه، اما دختر رنگرز تو خونه شاه نمی‌تونه (کنایه از پولداری و سخاوت رنگرزها) نشانه رونق رنگرزی بود. [احسان وردی]



— ابریشم بیشتر از شمال و خراسان می‌آمد، اینجا پخت و پز و کلیاب‌کشی می‌شد. کلیاب‌کش‌های معروف حاج محمد نیکویی، علی توکل (درجاده نوش‌آباد که ابریشم‌کارها اونجا رفتند)، حاج علی صدوری (که دیگر کار نمی‌کند) بودند. در دوره ملی شدن نفت فرش به رونق افتاد و کارها بهتر شد. [حاج حسین صدوری]

— در زمان آقای کاشانی و مصدق و ملی شدن نفت، فرش رونق داشت، وضع مردم خوب شده بود. فرش را سلف‌خری می‌کردند و پول فرش ناتمام را تمام می‌پرداختند. پشم سابقاً از دو جا می‌آمد: کرمانشاه (زیرتر و خشن)، مشهد و سبزوار (نرم‌تر) بود. مردم برای سودآوری دست به هر کاری نمی‌زدند مثلاً مواد بد به کار برند یا پود زیرکلفت بدهند یا جفتی‌بافی و از این کارها بکنند. [حاج امیر هوشنگ ستاری]

— تمام مردم ایران، فرش کاشان را بهترین می‌دانستند و هر کس دستش به دهانش می‌رسید، فرش کاشان می‌خرید. به علت تقاضای زیاد و رونق بازار، فرش دچار افت کیفیت شد. بافندگان به علت سود سرشار این صنعت به استقلال رسیدند و تولیدگر شدند، در صورتی که از کیفیت و فن هنر آن اطلاع چندانی نداشتند. فروشندگان رنگ و خامه هم که از بی‌اطلاعی آن‌ها آگاه بودند، جنس پست و نامرغوب به آن‌ها دادند و فرش را خراب کردند. [حاج اسماعیل مشکی]

— سال ۵۱ فرش دچار ورشکستگی شد. حدود یک میلیارد تومان فرش خریداری کرده بودند. [مهدی موسویان قمصری]

— تولید نسبت به سال ۷۳ ثلث شده است. [حاج حسین امیدواری]

— کارخانه پشم‌ریسی در محل مخابرات فعلی بود که به اسم حاج آقا تقی نقوی بود (خیابان شهید رجایی) از روستاها پشم گوسفندان را می‌آوردند، در اینجا شست‌وشو و سپس ریسیده می‌شد و بعد به رنگ‌رزی می‌برند که بیشتر در کوچه ضرابخانه بود. کلیمی‌ها در کاشان بقیچه‌فروش بودند و به ندرت قالی می‌بافتند. بقیچه چله قالی می‌فروختند که از شرکت ریسندگی می‌آوردند و تابیده می‌شد و می‌فروختند مثل اسحاق نیسانی و آقاجانی شادی. [حاج جوادعبایی]

— حسین اطمینان می‌گفت یکبار هامبورگ رفته بودم، در فروشگاه‌های فرش خودم را دیدم. به فروشنده آلمانی گفتم من این فرش را از تو می‌خرم. گفت: نمی‌فروشم عشق من است. همین‌طور یک فرش برای زیات امام حسین (ع) کرک بود و ابریشم در ابعاد ۲×۳ لاکه با حاشیه‌ای که پای آن در کتیبه نوشته بود: «تقدیمی برادران عطایی کاشان» و در بالای آن کتیبه‌ای بود که نوشته شده بود: «برادران عطایی که اهل کاشان‌اند به آستان ملک پاسبان بدین امید که سازد به چشم تو مقبول» این فرش بعداً مفقود شده است.

زمان رضاشاه برای فرش کاخ‌هایش از شهرهای کرمان، اراک، مشهد، کاشان تولیدکنندگان معروف دعوت شدند از کاشان عموی بنده (حاج عطایی) و حاج محمدحسن فرشچی به تهران می‌روند... بالاخره فرش‌های رضاشاه بافته می‌شود، همه بزرگ پارچه بودند و مجبور می‌شوند دستگاه‌های بزرگی درست کنند و کارگران زیادی شبانه‌روز کار می‌کردند. قالی‌هایی که کاشان بافتند، ۴۰ رجی بود.

مرحوم تفضلی، اولش تاجر تولیدکننده و فروشنده بود و با شرکت‌های خارجی قرارداد داشت. مرکزش پشت مسجد میدان فیض بود... خانه بزرگی داشتند که الان خراب شده بعداً به فکر احداث کارخانه می‌افتد. واقعاً مغز متفکر نساجی بود. آسید حسین ثابت، فرد بسیار متعصب و متعهدی در فرش بود. مرحوم حاج بابا غلام عدالت از فرش‌بافان خوب بود و به اتفاق عمو جانم و حاج محمد حسن فرشچی و دبیر الصنایع به تهران رفتند. حاج مرتضی منصوری که اصالتاً راوندی بود، قبل از سال ۳۰ فرش‌های خوبی را بافته بود. حاج سید محمد هاشمیان تاجر خریدار فرش بوده است. ضربه‌ای که قبل از انقلاب فرش خورده این بود که شرکت فرش به عده‌ای از افغانستان، پاکستان و هند فرش‌بافی یاد داد و آنها به کشورشان رفتند و بازار فرش ما را گرفتند. در آنجا اجرت ارزان‌تر بود مضاف بر اینکه دست‌اندرکاران سودجویی کردند و لطمه‌ای را که در آینده به فرش ایران می‌خورد، حساب نکردند. [حاج حسین عطایی] (بررسی وضعیت فرش کاشان و علل رکود و شناسایی راهکارهای بهبود آن، ص ۱۰۶-۱۱۰) طبق بررسی میدانی نگارنده، شرکت سهامی فرش ایران رنگ‌رزی پشم مناطقی مثل یزد و شهرهای استان اصفهان و دلیجان را در کاشان انجام می‌دهد. دو سوم صادرکنندگان فرش قم، پشم قالی‌شان را در کارخانه رنگ‌رزی کیانی و کارگاه‌های کاشان رنگ می‌کنند.

منابع

- آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز؛ حسن نراقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، تهران ۱۳۷۴.
- ایران از آغاز تا اسلام؛ رمان گیرشمن، ترجمه محمد معینی، ج ۳، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۹.
- بررسی صنعت فرش دستباف؛ انتشارات بانک مرکزی ایران، تهران ۱۳۶۳.
- بررسی صنعت فرش منطقه قالی‌بافی کاشان (طرح تحقیقاتی)؛ فیروز توفیق و باقر پرهام، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۴.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره یکم
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



- بررسی وضعیت فرش کاشان و علل رکود و شناسایی راهکارهای بهبود آن (بخش تاریخ)؛ امیرحسین چیت‌سازیان، طرح ملی تقاضامحور تحقیقاتی مشترک اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و دانشگاه کاشان، ۱۳۸۴-۱۳۸۸.
- بررسی هزینه‌های تولید انواع فرش دستباف در منطقه کاشان؛ مصطفی شریف، مرکز تحقیقات فرش وزارت جهاد کشاورزی، تهران ۱۳۷۹.
- تاریخ اجتماعی کاشان؛ حسن نراقی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- شاهکارهای هنر ایران؛ آرتور آپهام پوپ، ترجمه پرویز ناتل خانلری، صفی‌علیشاه، تهران ۱۳۵۵.
- فناوری سنتی رنگرزی تار و پود در کاشان؛ محمد ابوالفضل، پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ۱۳۸۳.
- قالی ایران؛ سیسیل ادواردز، ترجمه مهین‌دخت صبا، فرهنگسرا، تهران ۱۳۶۸.
- «قالی‌شویان مشهد اردهال»؛ فرهاد عرب و تورج ژوله، مجله تخصصی فرش. شرکت سهامی فرش ایران، شماره ۳، ۱۳۷۲.
- «قالی کاشان در قرن کنونی»؛ حسن نراقی، مجله هنر و مردم، دوره ۲، شماره ۲۰، خرداد ۱۳۴۳.
- قالی‌ها و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران؛ اریک اشنبرنر، ترجمه مهشید تولانی و محمدرضا نصیری، فرهنگسرا، تهران ۱۳۶۷.
- مختصر جغرافیای کاشان (همراه با معرفی بزرگان، آداب و رسوم و... این شهر، تألیف ۱۳۳۸ ه‍.ق)؛ عبدالحسین ملک المورخین کاشانی، تصحیح و توضیح افشین عاطفی، مرسل، کاشان ۱۳۷۸.
- مروری بر صنایع دستی ایران؛ م. حسن‌بیگی، ققنوس، تهران ۱۳۶۵.
- نقوش زینتی در ایران زمین از کهن‌ترین زمان تا دوره مادها؛ جلیل ضیاءپور، اداره کل وزارت فرهنگ و هنر تهران، ۱۳۵۳.
- نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان؛ امیرحسین چیت‌سازیان، سروش، تهران ۱۳۸۸.
- تاریخ فرش‌های ایرانی با طرح کهنه آمریکایی و صادر دوباره آنها از آمریکا (مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی فرش ایران)؛ دتلو ورت، مرکز توسعه صادرات ایران، تهران ۱۳۷۴.